



بررسی ساختار روایت حکایت های منتخب (باب هفتم) گلستان و بوستان سعدی براساس نظریه ژرار ژانت

روزیتا منصف

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد پیام نور مرکز رشت

چکیده

حکایت های گلستان و بوستان سعدی، از جمله موفق ترین حکایت های ادبیات کهن فارسی هستند. در این پژوهش سعی شده است با هدف نمایاندن یکی از ارزش های بوستان و گلستان سعدی براساس ساختار روایت شناسی ژرار ژانت (زمان دستوری: نظم ترتیب، تداوم و بسامد، وجه، فاصله، دیدگاه و صدا) باب هفتم گلستان و بوستان که از هر باب پنج حکایت انتخاب، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی می باشد و یافته های پژوهش چنین نتایجی را نشان می دهد: زمان پریشی توالی تداوم در بین حکایت های بوستان و گلستان هفت مورد « بازگشت به گذشته» و یک مورد «رفتن به آینده» و دو مورد در زمان حال بوده است. ضربآهنگ و شتاب داستان در هشت مورد مثبت و ثابت پیش رفته و در دو حکایت ضربآهنگ و شتاب داستان منفی بود و از مکث توصیفی و گزینش حوادث بهره برده است. نه مورد از حکایت ها از دیالوگ دو طرفه برخوردار بوده است. یک مورد راوی بعنوان دانای کل خطاب به همه انسانها مطالب را بازگو نموده است. بسامد مفرد بارزترین نوع بسامد است که در تمامی حکایت ها تکرار شده است. وجه و فاصله روایتگری در دو حکایت کمترین فاصله زمانی را دارد زیرا راوی در دل داستان بعنوان یکی از شخصیت های داستان است و در هشت حکایت روایتگری با روایت فاصله زمانی بیشتری دارد زیرا راوی در بیرون بعنوان دانای کل می باشد. کانون صفر، کانون درونی و بیرونی در دو حکایت بازنمود همگن دارد زیرا راوی جزو شخصیت های داستان است و در هشت مورد بازنمود ناهمگن دارد راوی بعنوان دانای کل از بیرون داستان ماجرا را روایت می کند. صدا راوی بعنوان دانای کل در هشت مورد خارج از روایت می باشد. در دو حکایت راوی داخل روایت است بعنوان اول شخص داستان را روایت می کند.

واژگان کلیدی: ساختار روایت، ژرار ژانت، گلستان و بوستان، سعدی